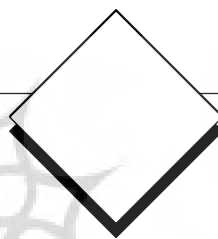
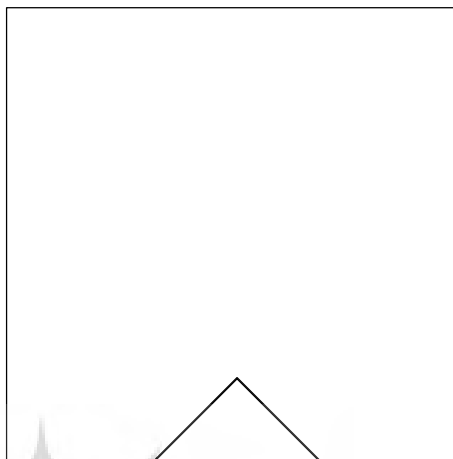


چهار سال از تاریخ نشر چاپِ نخستِ ترجمهٔ استاد محمد مهدی فولادوند از قرآن کریم می‌گذرد، و اکنون چاپ سوم این اثر ماندگار را در پیش روی دارم. پس از دریافت نسخه‌ای از چاپ اول، بامیل و رغبت فراوان به مطالعهٔ آن پرداختم. این ترجمه را در مجموع اثری نیکو، خوشخوان و روان یافتم، و بیشترین امتیازش را بر شماری از ترجمه‌های قرآن به «مطابق بودن» آن با متن آیات شناختم. این ترجمه گویا و رسا در «معادل یابی کلمات قرآن» حتی الامکان از واژه‌های مانوس زبان فارسی به گونه‌ای بهره جُسته است که عموم اهل مطالعه اعم از دانش پژوهان عادی و فرهیختگان ادب پارسی و تازی، می‌توانند به خوبی از آن استفاده کنند.

افرادی از ناقدانِ پژوهشگر در شماری از مجلات به نقد و بررسی آن پرداختند و با اشاره به جنبه‌های قوت و نقاط ضعف این اثر، بر شهرتِ بسزا و استقبال همگانی آن افزودند. از آن جا که آرزوی همیشگی این بنده دستیابی به ترجمه‌ای کامل و گویا از قرآن کریم بوده و سالیانی چند با علاقه و دلبستگی فراوان به کاوش در زمینهٔ تفسیر، ترجمه و معارف قرآنی پرداخته و بیشترین ترجمه‌های



نقدی بر ترجمهٔ استاد محمد مهدی فولادوند از قرآن کریم

□
محمدعلی کوشا

□

قرآن کریم را از نظر گذراننده و در جست و جوی ترجمه‌ای آراسته به محسنات ادبی و پیراسته از نواقص لفظی و معنوی بوده‌ام، با دقت فراوان چاپ نخست این اثر را بررسی کردم و تمام نارسایی‌ها، کاستی‌ها و ترک‌اولی‌های آن را - به گمان خود - یادداشت نمودم و در انتظار چاپ‌های بعدی ماندم. ولی چاپ دوم آن بدون هیچ‌گونه تصحیح و بازنگری همچون چاپ اول، پخش و منتشر گردید. هنگامی که در یکی از کتاب‌فروشی‌ها مژده چاپ سوم آن را به من دادند، با شور و شوق فراوان مبادرت به خرید آن کردم و پیش از هر چیز به شناسنامه آن نگریستم، نوشته بود: «با تجدید نظر کامل!» از این خبر سخت خوشحال شدم و خدای را سپاس گفتم که ترجمه‌ای از قرآن کریم، پیراسته از نقایص در دسترس «همگان» قرار می‌گیرد. ولی پس از بررسی و مطالعه، با کمال تعجب دیدم موارد اصلاح شده آن به مراتب کمتر از اصلاح نشده‌های آن است! لذا پس از گذشت سه سال از چاپ اول آن، دریغ آمد که مجموعه ملاحظات خود را بر این اثر نفیس در معرض دید اهل مطالعه قرار ندهم. البته از میان دست‌نوشته‌های نقد چاپ اول، مواردی را که در چاپ سوم اصلاح شده بود حذف کردم، و اینک مجموعه نکات اصلاحی را به مترجم گران‌قدر و ارجمند، و نیز قرآن‌پژوهان اهل نظر خالصانه تقدیم می‌دارم، باشد که با اعمال آنها و اصلاح نهایی و همه‌جانبه و استفاده از تمامی نقدهای ناقدان صالح و دلسوز، این اثر شیوا و گویا، در چاپ چهارم - ان شاء الله - بی‌هیچ عیب و نقصانی به صورت کامل در دسترس دین‌پژوهان و قرآن‌خوانان آگاه قرار گیرد.

انگیزه این جانب در ارائه نقد ترجمه‌های قرآن کریم، چیزی جز زدودن کاستی‌ها از ساحت ترجمه این کتاب بی‌مانند و شناساندن پیام بلند پایه وحی الهی نبوده و نیست. و البته تنها ترجمه‌هایی را مورد بررسی و نقد قرار داده و می‌دهم که ارزش نقد و بررسی را داشته باشند. یعنی مترجم آن، علاوه بر احراز شرایط لازم و کافی برای ترجمه، از قبیل: داشتن مراتب علمی، اخلاقی، معنوی و تسلط کامل بر ساختار ادبی دو زبان پارسی و تازی، دارای ترجمه‌ای دست‌کم با اعتبار بیش از نود درصد باشد.

باری، از عمق جان و بُنِ دندان، صمیمانه و خالصانه می‌گویم:

وَمَا أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ.

□ موارد اشکال یا ترک اولی

◁ ۱- بقره : ۱۲

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ

«بهبوش باشید که آنان فساد گراند، لیکن نمی فهمند.»

اشکال: در این ترجمه، ضمیر «هم» که در آیه تکرار شده، نادیده گرفته شده است.

ترجمه دقیق تر آیه چنین است: «هان! اینان خود تبهکارانند، ولیکن نمی فهمند.»

نیز در آیه ۱۹۳ آل عمران، جار و مجرور «عَنَا» و در آیه ۱۱۵ نحل جار و مجرور «علیکم»

ترجمه نشده است.

◁ ۲- بقره : ۱۹

أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ

«یا چون [کسانی که در معرض] رگباری از آسمان – که در آن تاریکی ها و رعد و برقی

است – [قرار گرفته اند]؛ از [نهیب] آذرخش [و] بیم مرگ، سرانگشتان خود را در

گوش هایشان نهند، ولی خدا بر کافران احاطه دارد.»

اشکال: «الصَّوَاعِقِ» که جمع است به صورت مفرد (آذرخش) ترجمه شده است. در ضمن

«و» را به «ولی» ترجمه کردن، در این جا و دیگر موارد وجهی ندارد، و مطالب داخل قلابها

نیز زاید است.

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«یا چون رگباری از آسمان که در آن تاریکی ها و تندر و درخششی است؛ به بیم مرگ از

آذرخشها، سرانگشتانشان در گوش هایشان نهند و خداوند، فراگیر کافران است.»

◁ ۳- بقره : ۲۶

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا

«خدای را از این که به پشه ای – یا فروتر [یا فراتر] از آن – مثل زند، شرم نیاید.»

اشکال: «مَا فَوْقَهَا» معادل فارسی آن «بالتر» و «فراتر» است نه «فروتر». بنابراین باید واژه

«فروتر» و نیز قلاب را حذف کرد. نکته ای که در ترجمه باید به آن توجه داشت این است که

باید حتی الامکان معادل واژه متن را آورد و از آوردن وجوه تفسیری پرهیز کرد و در صورت

ضرورت در پانویس به توضیح پرداخت. مثلاً در تفسیر «مَا فَوْقَهَا»، آیا مراد، ما فوق پشه در

خردی و ناچیزی است که لازمه معنی آن «فروتر» می‌شود، یا مراد، مافوقِ پشه در بزرگی و جثه است؟ کدام یک؟ در این گونه موارد مترجم باید تابع ظاهر الفاظ آیه باشد نه پیرو وجوه احتمالی تفسیری؛ زیرا قلمرو ترجمه چیزی است و قلمرو تفسیر چیز دیگر. گاهی همان تفسیری که برای متن لازم است، برای ترجمه هم ضرورت پیدا می‌کند، و هرگز نباید از ترجمه، انتظار تفسیر و توضیح را داشت.

◁ ۴- بقره : ۶۱

إِهْبِطُوا مِصْرًا

«به شهر فرود آیید.»

اشکال: با توجه به این که «مِصْرًا» به صورت نکره ذکر گردیده است، ترجمه دقیق‌تر آیه چنین است: «به شهری فرود آیید.»

توضیح: مراد این است که از سرزمین سینا به شهری از شهرها درآیید. البته بعضی «مصر» را در این جا، همان مصر معروف دانسته‌اند ولی ساختار لفظی آیه با ترجمه ما سازگارتر است.

◁ ۵- بقره : ۶۷

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبِحُوا بَقَرَةً

«خدا به شما فرمان می‌دهد که: ماده گاوی را سر ببرید.»

اشکال: کلمه «بَقَر» اسم جنس است و شامل گاو نر یا ماده هر دو می‌شود. ولی «ة» بقرة در این جا برای «وحدت» است نه «تأنیث»، چنان که در آیه ۷۰ از سوره بقره، بدون «ة» آمده است «إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا»؛ یعنی «این گاو بر ما مشتبه شده است»، که این خود قرینه‌ای است بر این که مراد از بقره برخلاف تصور مترجم محترم، گاو نر است نه ماده. علاوه بر این، معمول این است که با گاو نر زمین را شخم بزنند و آبکشی کنند، نه با گاو ماده: إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ (بقره / ۷۱)

◁ ۶- بقره : ۸۸

فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ

«پس آنان که ایمان می‌آورند چه اندک شماره‌اند.»

اشکال: حرف «ما» زاید است و برای تأکید معنی قِلَّت آمده است نه تعَجَّب! و «قلیلًا» هم منصوب است چون صفت مصدر فعل محذوف است که در اصل چنین بوده است:

يُؤْمِنُونَ إِيْمَانًا قَلِيلًا. و نیز ممکن است حال باشد برای ضمیر واو در فعل «يؤمنون». ترجمه صحیح آیه چنین است:

«پس اندکی ایمان می آورند.» و همین گونه است آیه ۳ سوره اعراف و نیز آیه ۱۰ همان سوره، که در ترجمه آنها کلمه «چه» برای تعجب به کار رفته است که باید حذف شود.

◁ ۷- بقره : ۹۰

بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهٖ اَنْفُسَهُمْ

«وه که به چه بد بهایی خود را فروختند.»

اشکال: «بئس» از افعال ذمّ است نه تعجب! بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است: «خود را به بد چیزی فروختند.»

بجز این جا در آیه ۱۰۲ و ۲۰۶ سوره بقره و در دیگر مواردی که بئس یا نعم را همچون بیشتر مترجمان در معنای فعل تعجب ترجمه کرده اند و واژه «وه» و «چه» را در ترجمه آن برای اظهار تعجب به کار برده اند، مناسب است این اصلاح صورت گیرد.

◁ ۸- بقره : ۱۰۴

لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا

«نگوید «راعنا» و بگوید: «انظرنا.»»

اشکال: مترجم محترم در پانوشت، «راعنا» را توضیح مختصری داده اند ولی «انظرنا» را توضیح نداده اند که لازم است در چاپ های بعد توضیح آن در پانوشت بیاید.

◁ ۹- بقره : ۱۲۰

وَلَيْنِ اتَّبَعَتْ اَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ

«و چنانچه پس از آن علمی که تو را حاصل شد، باز از هوس های آنان پیروی کنی، در برابر خدا سرور و یآوری نخواهی داشت.»

اشکال: کلمه «باز» در جمله «باز از هوس های آنان پیروی کنی...» در آیه شریفه هیچ گونه معادلی برای آن نیامده است و علاوه بر این که زاید است مغیّر معنی آیه نیز هست، چون موهوم این است که گویی پیامبر اکرم (ص) پیش از آن، از هوا و هوس یهود و نصاری پیروی کرده است! و حال آن که آیه شریفه بیانگر چنین چیزی نیست.

ترجمه صحیح آیه چنین است: «و اگر پس از دانشی که تو را رسیده است، از خواهش های ایشان پیروی کنی، از سوی خدا تو را هیچ سرور و یآوری نخواهد بود.»

◁ ۱۰- بقره : ۱۳۸

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً

«[این است] نگارگری الهی؛ و کیست خوش نگارتر از خدا.»

اشکال: «صِبْغَةَ» منصوب به فعلِ مقدر است؛ بنابراین مفعولُ به است، ولی مترجم محترم با آوردنِ [این است]، آن را خبر مبتدای محذوف تصور کرده که صحیح نیست. ترجمه صحیح آیه چنین است:

«[برگزینید] رنگ خدای را، و که نیکوتر است از خدای به رنگ؟» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی).

توضیح: منظور از «رنگ خدایی»، دین خدا و یا صفات اوست.

◁ ۱۱- بقره : ۱۵۵

وَلَنْبَلُوْنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ

«و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزمایم و مژده ده شکیبایان را.»

اشکال: در این آیه «أَنْفُس» به معنی «جان‌ها» نیست، بلکه به معنی «اشخاص» و «کسان» است. مثلاً در ترجمه آیه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (آل عمران / ۱۸۵) نمی‌توان گفت: هر جانی چشنده مرگ است. چون اساساً نقص در جان‌ها معنی ندارد؛ زیرا جان‌ها کم نمی‌شوند، بلکه جاویدانند. و نیز در آیه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَلِّهِمْ الْجَنَّةَ» (توبه / ۱۱۱) ترجمه صحیح آن چنین است: «به راستی خداوند از مؤمنان، خودشان و مال‌هایشان را خریده است به این که بهشت از آنان باشد.» اساساً گاه انسان با مال و ثروتش در راه خدا جهاد می‌کند و یک وقت هم تنها خود به جنگ می‌رود و گاهی هم هر دو را به کار می‌گیرد، هم مال و هم تمام قوا و نیروی خود را، و این جاست که بذلِ انفس و اموال – یعنی به کارگیری نیروی شخصی و مالی در راه خدا – تحقق پیدا می‌کند، چه در این راه کشته شود و یا بعد از پیکار زنده بماند. این آیه علاوه بر شهیدان، شامل حال تمام کسانی که در راه خدا جنگیده‌اند و سالم و یا مجروح از جنگ برگشته‌اند نیز می‌شود و این طور نیست که تعبیر به «أَنْفُس» در این آیه و امثال آن به معنی «جان‌ها» باشد که تنها معنای «ازهاق روح از بدن» از آن ارائه گردد و در نتیجه فقط شامل حال شهیدان گردد، نه دیگر مجاهدان زنده راه حق. بنابراین معادل فارسی کلمه «نفس» که جمع آن «أَنْفُس و نُفُوس» در قرآن آمده، «خود»، «کس»، «شخص» و «فرد» است و تنها در چند مورد محدود به معنی «روح» و «جان» و «روان» آمده است؛ مثل: وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ

اللَّوَامَةَ (قیامت / ۲)؛ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (فجر / ۲۷)؛ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيْتَهَا (شمس / ۷)؛ وَتَزَهَّقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (توبه / ۸۵)؛ و در باقی موارد – چنان که از موارد استعمال آن بر می آید – به معنی «خود»، «کس» و «شخص» می آید، نه «جان» و «روح» و «روان».

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«شما را به اندک چیزی از ترس و گرسنگی و کاستی در مالها و کسان و محصولات می آزماییم و مزده ده شکیبایان را.»

◁ ۱۲- بقره : ۱۶۴

وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ

«و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است، برای گروهی که می اندیشند، واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد.»

اشکال: «السَّحَابِ» معرفه است نه نکره. بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و ابر آرمیده میان آسمان و زمین، حقاً نشانه‌هایی [گویا] است، برای گروهی که می اندیشند.»

همین اشکال در ترجمه «الشر» و «الخير» (معارج / ۲۰ و ۲۱) وجود دارد.

◁ ۱۳- بقره : ۱۷۷

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

«نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید.»

اشکال: [یا] کلاً زاید و بیهوده است، زیرا اگر چنین می بود، در آیه به جای «واو» «أَوْ» می آمد! و حال آن که چنین نیست. متأسفانه شمار قلاب‌های بیهوده و زاید در این ترجمه کم

نیست، مانند ترجمه آیه ۱۸۶ سوره بقره ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«نیکی آن نیست که روی تان به خاور و باختر کنید.» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

◁ ۱۴- بقره : ۱۸۷

وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ

«در حالی که در مساجد معتکف هستید، [با زنان] در نیامیزید.»

اشکال: با توجه به ضمیر «هُنَّ» که مرجع آن معلوم است، قلاب زاید است و آوردن

ترجمه خود ضمیر، اولی است.

«در حالی که در مسجدها معتکف هستید، با آنان میامیزید.»

◁ ۱۵-آل عمران : ۱۰

در ترجمه این آیه، فقط کلمه «عذاب» باید در میان قلاب قرار گیرد نه [از عذاب خدا].

◁ ۱۶-آل عمران : ۲۰

أُتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ

«که اهل کتابند و مشرکان...»

اشکال: گر چه امیّین در این جا مصداقاً منطبق بر «مشرکان» است، ولی ترجمه آن به «درس ناخواندگان» یا «نافرهیختگان» با روش ترجمه تطبیقی استاد فولادوند سازگارتر و مناسب تر است.

◁ ۱۷-آل عمران : ۹۹

تَبْعُونَهَا عِوَجًا

«و آن [راه] را کج می شمارید.»

اشکال: تَبْعُونُ از ماده بَعَى در این جا به معنی «جست و جو کردن» و «خواستن» است نه «شمردن»، بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:
«در حالی که آن را کج می خواهید.»

◁ ۱۸-آل عمران : ۱۲۵

بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ

«با پنج هزار فرشته نشاندار»

اشکال: «نشاندار» معادل «مُسَوِّمِينَ» به فتح واو و به صیغه اسم مفعول است. ولی در آیه به کسر واو و به صیغه اسم فاعل است. بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:
«با پنج هزار فرشته نشانگذار.»

توضیح: وجه تسمیه فرشتگان به «نشانگذار»، این بوده که آنان محورهای عملیاتی جنگ را برای مجاهدان بدر نشانه گذاری و تعیین علامت می کرده‌اند.^۱

◁ ۱۹-آل عمران : ۱۵۰

بَلِ اللّٰهُ مَوْلَاكُمْ

«آری، خدا مولای شماست.»

اشکال: «بَلِّ» حرف عطفی است که برای اضراب (اعراض) به کار می رود که معادل فارسی

۱. جوامع الجامع، ج ۱، ص ۲۰۲.

آن گاهی «بلکه» و گاهی «نه» و گاهی هم «نه، بلکه» می آید، و «بَلَّ» غیر از «بَلَى» است که حرف جواب است و معادل فارسی آن «بلی» و «آری» می باشد.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است: «نه، بلکه خدا مولای شماست.»

◁ ۲۰- آل عمران : ۲۰۰

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید.»
اشکال: «صَابِرُوا» از باب مفاعله، طرفینی و برای مقابله می آید. «مصابره» در دو معنی استعمال شده است:

۱- همدیگر را به صبر تشویق کردن.

۲- در صبر از هم پیشی گرفتن.

بنابراین ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبایی ورزید و یکدیگر را به شکیبایی وادارید و مرزبانی کنید.»

◁ ۲۱- نساء : ۳

ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ لَا تَعُولُوا

«این [خودداری] نزدیک تر است تا به ستم گرایید [و بیهوده عیال وار گردید].»
اشکال: مترجم محترم، در «لَا تَعُولُوا» «لا»ی نافیه را نادیده گرفته است. ترجمه صحیح آیه چنین است: «این نزدیک تر است به آن که ستم نکنید.»

◁ ۲۲- در ترجمه آیه ۴۷ از سوره نساء :

«اصحاب سَبْتٍ را لعنت کردیم»، و در ترجمه آیه ۵۱ همان سوره: «که به جبت و طاغوت ایمان دارند»، هر یک از این دو ترجمه در پانوشت آنها، برای روشن شدن معنی، احتیاج به توضیح دارد. همچنین مترجم محترم در آیه ۵ سوره حج و ۱۴ سوره مؤمنون، کلمات «علقه» و «مضغه» را بدون ترجمه و یا توضیحی در پانوشت باقی گذارده‌اند.

◁ ۲۳- نساء : ۵۳

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا

«آیا آنان نصیبی از حکومت دارند؟ [اگر هم داشتند] به قدر نقطه پشت هسته خرمایی [چیزی] به مردم نمی دادند.»

اشکال: در این ترجمه، «فَادَا» نادیده گرفته شده و ترجمه نشده است. ترجمه دقیق‌تر آیه چنین است:

«آیا آنان بهره‌ای از فرمانروایی دارند؟ که آن گاه، به اندازه گودی پشت هسته خرما به مردم ندهند.»

◁ ۲۴ - مائده : ۵

وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ

(و هر کس در ایمان خود شک کند، قطعاً عملش تباه شده.)

اشکال: معلوم نیست که مترجم محترم، چرا «کفر» را به معنی «شک» ترجمه کرده است؟ ترجمه صحیح آیه چنین است:

«هر که از گرویدن سرباز زند، کارش بی‌مزد شود.» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

«هر کس به [ارکان] ایمان کفر ورزد، عملش تباه است.» (ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی)

«هر که ایمان را انکار کند - به اسلام کفر ورزد - برآستی کردارش تباه گردد.» (ترجمه دکتر سید جلال‌الدین مجتبوی)

◁ ۲۵ - اعراف : ۵۴

أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ

«آگاه باش که [عالم] خلق و امر از اوست.»

اشکال: مترجم محترم و یا گروه ویراستاران ارجمند «خلق» و «امر» در این آیه را ترجمه نکرده‌اند، بلکه با اضافه کردن واژه [عالم] در میان قلاب بر ابهام آن افزوده‌اند و در پانویس هم هیچ توضیحی نداده‌اند! به هر حال، ترجمه روشن آیه چنین است:

«هان! آفرینش و فرمان از آن اوست.»

دکتر سید جلال‌الدین مجتبوی، چنین ترجمه کرده است: «آگاه باشید که آفریدن و فرمان ویژه اوست.» آن‌گاه در پانویس آورده است: «ممکن است مراد از «خلق» آفرینش تدریجی و مربوط به عالم طبیعت باشد، و مراد از «امر» آفرینش دفعی و مربوط به عالم مجردات باشد.»

◁ ۲۶ - توبه : ۱۰۳

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ

«از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی.»

اشکال: جمله «تُطَهِّرُهُمْ» محلاً منصوب و صفتی است برای «صدقه» (و البته جایز است که

حال از «خُذْ» باشد.) ولی مترجم محترم، آن را جواب «خُذْ» گرفته و لذا در ترجمه، کلمه «تا» را آورده است که صحیح نیست. زیرا اگر چنین می بود «تُطَهَّرُ» به صورت مجزوم می آمد، و نیز «تُزَكَّى»، «تُزَكُّ» می شد.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«از مالهای شان صدقه ای بستان که ایشان را با آن پاکیزه و پالایش می کنی.» یا: «از خواسته هایشان دهشی بستان که بدان پاک سازی شان و پاکیزه داری شان.» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

یا: «از اموال ایشان کفاره ای بگیر که بدان پاکیزه شان و پیراسته شان می کنی.» (ترجمه بهاء الدین خرمشاهی)

◁ ۲۷- هود : ۴۰

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ

«تا آنگاه که فرمان ما در رسید و تنور فوران کرد.»

اشکال: در این جا ترجمه مترجم محترم صحیح است اما در پانویس، توضیحی که داده اند ترجمه را دچار ابهام عجیبی می کند! اینک توضیح ایشان:

«کلمه «تنور» از ریشه مشترک لغات سامی و هندی و اروپایی و تنوره فارسی به معنی فریاد و فوران و انفجار و صوت بلند است و مراد، تنور نانوایی نیست.»

خوب، با این توضیح که «تنور» در آیه به معنی «تنور نانوایی نیست» بلکه به معنی «فوران» است، پس ترجمه مترجم محترم در واقع چنین می شود:

«و فوران، فوران کرد!» یا «انفجار، فوران کرد!» آیا مترجم یا ویراستاران محترم به لازمه چنین توضیحی اندیشیده اند؟!

◁ ۲۸- یوسف : ۱۸

وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ

«خدا یاری ده است.»

اشکال: «مُسْتَعَانُ» اسم مفعول است، نه اسم فاعل! ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و خداست که باید از او یاری خواست.» یا: «خداست که از او یاری خواسته می شود.»

◁ ۲۹- حجر : ۴۱

فَالْهَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ

«فرمود: این راهی است راست [که] به سوی من [منتهی می شود].»

اشکال: «عَلَى» یعنی «بر من» و «به عهده من» و این غیر از «إِلَى» است.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«گفت: این راهی است راست که بر عهده من است.»

یا: [خدای] گفت: این راهی است راست که [نگاهداشت آن] بر من است.»

(ترجمه دکتر سید جلال الدین مجتبوی)

یا: «این راهی است راست که بر من گذرد.»

(ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

◁ ۳۰-حجر : ۵۷

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ

«[سپس] گفت: ای فرشتگان، [دیگر] کارت‌ان چیست؟»

اشکال: علاوه بر این که مطالب داخل قلاب زاید است، سبک ترجمه تطبیقی مترجم

محترم اقتضا دارد که «مرسلون» را «فرستادگان» ترجمه کند، نه «فرشتگان»؛ هر چند که

مصدق این واژه در این جا فرشتگان هستند. پس ترجمه دقیق‌تر آیه چنین است:

«گفت: ای فرستادگان، چیست کارت‌ان؟» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

◁ ۳۱-نحل : ۸۶

فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ

«[ولی شریکان]، قول آنان را رد می‌کنند که: شما جداً دروغگویانید.»

اشکال: «القای قول» به معنی «پاسخ دادن» و «جواب دادن» است نه «ردّ قول». بنابراین

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«آنان پاسخشان دهند که شما دروغگویانید.»

یا: «آنگاه به آنان پاسخ دهند که شما دروغگویید.» (ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی)

یا: «پس پاسخ این دهندشان: راستی که شما خود دروغگویان‌اید.» (ترجمه دکتر

ابوالقاسم امامی)

◁ ۳۲-اسراء : ۷

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُؤُوا وُجُوهَكُمْ

«و چون تهدید آخر فرا رسد [بیایند] تا شما را اندوهگین کنند.»

اشکال: ترجمه «وُجُوهَكُمْ» از قلم افتاده است.

ترجمه مطابقی آیه چنین است:

«پس هرگاه وعده پسین فرا رسد، بازشان فرستیم تا چهره‌هاتان را غمگین کنند.» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی).

◁ ۳۳- اِسْرَاءُ : ۳۹

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا

«و با خدای یگانه معبودی دیگر قرار مده، وگرنه حسرت زده و مطرود در جهنم افکنده خواهی شد.»

اشکال: «ملوم» به معنی «نکوهیده» و «سرزنش شده» است، نه «حسرت زده»!

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«با خدای معبودی دیگر قرار مده، که نکوهیده و رانده، در دوزخ افکنده شوی.»

◁ ۳۴- اَنْبِيَاءُ : ۶۹

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ

«گفتیم: ای آتش، برای ابراهیم سرد و بی آسیب باش.»

اشکال: «علی» به «برای = ل» ترجمه شده که صحیح نیست.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«گفتیم: ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت شو.» (ترجمه بهاءالدین خرمشاهی)

◁ ۳۵- حَجَّ : ۹

ثَانِي عَطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ

«[آن هم] از سر نخوت، تا [مردم] را از راه خدا گمراه کند. در این دنیا برای او

رسوایی است.»

اشکال: «ثانی عطفیه» یعنی «او پهلو دو تا کنان» و این جمله حال است از فاعل «یجادل» در

آیه پیشین آن. بنابراین جمله «آن هم از سر نخوت» معادل آن نمی تواند باشد. مگر این که آن را

به عنوان معنای کنایی بگیریم، ولی در مقام ترجمه، معنای کنایی و استعاری حتی الامکان باید

در پانوشت به عنوان «توضیح» آورده شود. در ضمن کلمه «این» هم در ترجمه زاید است و

باید حذف شود و ضمیر «عطفیه» هم در ترجمه لحاظ نشده است. به هر حال ترجمه دقیق تر

آیه چنین است:

«او پهلو دوتا کنان،^۱ سرانجام، [مردم را] از راه خدا گمراه کند. در دنیا برای او خواری است.»

در ضمن، لام در «لِيُضِلَّ» لام تعلیل یا لام «عاقبت و صیوروت» است و اُولی این است که لام عاقبت باشد، زیرا سیاق آیه با این سازگار است.

◁ ۳۶-حجّ : ۱۱

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ

«و از میان مردمان کسی هست که خدا را فقط بر یک حال [و بدون عمل] می پرستد.»
اشکال: ترجمه «عَلَىٰ حَرْفٍ» به «بر یک حال [و بدون عمل]» ترجمه‌ای نامفهوم و گنگ است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و از مردمان کسی هست که خدای را یکسویه و بادو دلی می پرستد.» (ترجمه دکتر سید جلال الدین مجتبوی)

یا: «و از مردمان کس است که در پرستش خدای بر لبه است.» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

◁ ۳۷-مؤمنون : ۸۸

وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ

«او پناه می دهد و در پناه کسی نمی رود.»

اشکال: معادل «لَا يُجَارُ عَلَيْهِ» جمله «و در پناه کسی نمی رود» نیست، زیرا کلمه «علیه» در این ترجمه نادیده گرفته شده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و اوست که پناه می دهد و برخلاف [خواست] او [به کسی] پناه داده نشود.»

توضیح: یعنی برخلاف خواست او، کسی نمی تواند دیگری را از عذاب پناه دهد.

◁ ۳۸-نور : ۵۵

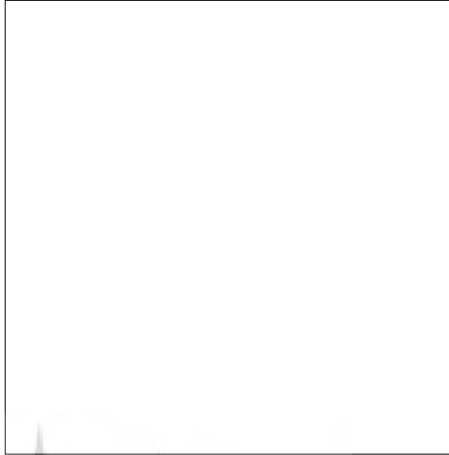
لَيْسَتْ خُلَفَاءَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

«که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد، همان گونه که کسانی را که

پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد.»

۱. کنایه از تکبر و خود خواهی است.

اشکال: کلمه [خود] در این ترجمه که دوبار بعد از کلمه «جانشین» آمده زاید است و لازم است که حذف شود؛ زیرا مراد از استخلاف در این جا استخلاف از دیگران است نه از خدا. همان گونه که مفسران بزرگ از جمله علامه طباطبایی این را گفته‌اند و احتمال استخلاف از خدا را در این آیه بعید دانسته‌اند.



باید توجه داشت این گونه احتمالات

ضعیف تفسیری را آن هم در مقام ترجمه، نباید در ترجمه متن دخالت داد. البته مترجم می‌تواند در پانویس به انواع احتمالات اشاره کند. اما آوردن یک احتمال ناموجه در متن، خود نوعی تحمیل نظر بر آیه است.

◀ ۳۹- شعراء : ۱۹

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ

«و [سرانجام] کار خود را کردی.»

اشکال: در ترجمه فوق «فَعَلْتَ»ی دوم ترجمه نشده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است: «و آن کارت را که کردی، کردی!» (ترجمه دکتر ابوالقاسم

امامی)

◀ ۴۰- عنكبوت : ۳

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ

«و به یقین، کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم، تا خدا آنان را که راست گفته‌اند

معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد.»

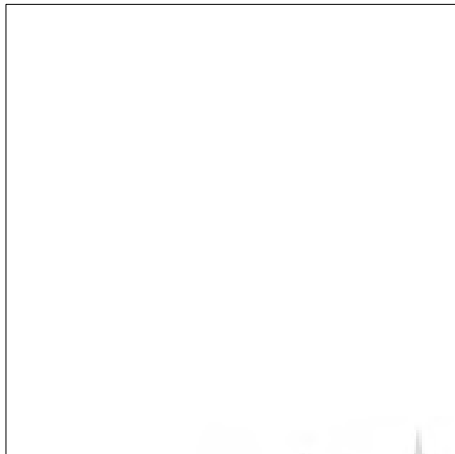
اشکال: در جمله «فَلَيَعْلَمَنَّ» و «وَلَيَعْلَمَنَّ» حرف «فاء» و «واو» هر دو عاطفه هستند و

حرف «لام» مفتوحه نیز در هر دو جمله، لام قسم و مفید تأکید می‌باشد نه لام مکسوره علت،

تا این که معادل آن در فارسی «تا» بیاوریم که در این ترجمه آمده است! در صورتی که مترجم

محترم مثل همین آیه را در آیه ۱۱ همین سوره، صحیح ترجمه کرده است:

«وَلَيَعْلَمَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ»



«و قطعاً خداکسانی را که ایمان آورده‌اند می‌شناسد، و یقیناً منافقان را نیز می‌شناسد.»
شگفتا که در ترجمه آیه مورد بحث، بیشتر مترجمان لغزیده‌اند!
ترجمه صحیح آیه چنین است:
«و به راستی آنان را که پیش از ایشان بودند آزمودیم، پس قطعاً خداوند آنان را که راست گفته‌اند می‌شناسد و دروغگویان را نیک می‌شناسد.»

یا: «و به راستی پیشینیان آنان را آزموده‌ایم؛ و بیشک خداوند راستگویان و دروغگویان را نیک می‌شناسد.» (ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ جدید)
یا: «آنان را که پیش از ایشان بوده‌اند نیز آزمودیم. و هر آینه خداوند کسانی را که راست گفته‌اند می‌شناسد و دروغگویان را نیز شناسد.» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

◀ ۴۱- روم : ۳۲

كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

«هر حزبی بدانچه پیش آنهاست دلخوش شدند.»

اشکال: «فَرِحُونَ» و نیز «فَرِحِينَ» و «فَرِحَ» صفت مشبّهه هستند نه فعل ماضی!

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«هر گروهی بدانچه پیش آنهاست دلخوش اند.»

یا: «هر گروهی بدانچه نزدشان است، شادمانند.» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

یا: «هر گروهی به آنچه دارند دلخوشند.» (ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی)

◀ ۴۲- لقمان : ۷

فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

«پس او را از عذابی پر درد خبر ده.»

اشکال: «بَشِّرْهُ» یعنی «مژده ده» نه «خبر ده» اگر چه معمولاً لازمه مژده دادن، خبر دادن هم

هست.^۱

۱. برای توضیح بیشتر، به مقاله نقد این جانب بر ترجمه قرآن آقای خرمشاهی، مجله میراث جاویدان، شماره ۱۷، صفحه ۱۳ مراجعه فرمایید.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«پس او را به کیفری دردناک مژده ده.»

◁ ۴۳- احزاب : ۵

فَاخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ

«پس برادران دینی و موالی شمایند.»

اشکال: «موالی» ترجمه نشده و در پانوشت هم توضیحی نیامده است. «موالی» جمع

«مَوْلَى» در این جا به معنی «برده آزاد شده است که با صاحب خود هم پیمان است.»

ترجمه آیه چنین است:

«پس برادران شما در دین و آزادکردگان شمایند.»

◁ ۴۴- یس : ۷۹

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

«بگو: همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد و اوست که به هر [گونه]

آفرینشی داناست.»

اشکال: جمله «يُحْيِيهَا» ترجمه نشده است.

ترجمه دقیق آیه چنین است:

«بگو: همان کسی زنده اش کند که نخستین بار آن را پدید آورد و او به هر چیزی داناست.»

◁ ۴۵- ص : ۱۵

وَمَا يَنْظُرُ هُوَ إِلَّا الصَّيْحَةَ وَإِجْدَةً مَالِهَا مِنْ فَوَاقٍ

«و اینان جز یک فریاد را انتظار نمی برند که هیچ [مجال] سرخاراندنی در آن نیست.»

اشکال: «فَواق» که به صورت نکره در آیه آمده است به معنی مهلت و فاصله و یا بازگشت

استعمال گردیده است.

در ترجمه فوق کلمه «مجال» که می تواند معادل «فَواق» باشد در میان قلاب قرار گرفته و

کلمه «سرخاراندن» که تعبیری عامیانه و در حکم توضیح «فَواق» است نه معادل فارسی آن، به

عنوان معادل آمده است که ترجمه ای دقیق نیست.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و اینان جز یگانه خروشی که آن را هیچ بازگشتی نیست، انتظار نمی برند.»

◁ ۴۶ - فَصَّلَتْ : ۲

تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وحي [نامه] ای است از جانب [خدای] رحمتگر مهربان.»

اشکال: علاوه بر زاید بودن مطالب داخل قلاب، ترجمه «تنزیل» به «وحي» با روش تطبیقی مترجم محترم که پای بند بدان اند چندان سازگار و مناسب نیست. ترجمه تطبیقی آیه چنین است:

«فرو فرستاده‌ای است از آن بخشاینده مهربان»

◁ ۴۷ - فَصَّلَتْ : ۱۰

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءٍ لِّلنَّاسِ لِيُنزِلَ فِيهَا مِنْهَا حَبًّا وَالسُّبْحَانَ لِلَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

«و در [زمین] از فراز آن [لنگراسا] کوهها نهاد و در آن خیر فراوان پدید آورد، و مواد خوراکی آن را در چهار روز اندازه‌گیری کرد [که] برای خواهندگان، درست [و متناسب با نیازهایشان] است.»

اشکال: علاوه بر زاید بودن توضیحات داخل قلاب‌ها، کلمه «سواء» چندان روشن ترجمه نشده است.

ترجمه دقیق آیه شریفه چنین است:

«و در آن از فرازش کوه‌های استوار ساخت و در آن برکت نهاد و روزی‌ها را در چهار روز در آن - یکسان برای خواهندگان - به اندازه گذاشت.»

◁ ۴۸ - سُورَى : ۱۰

ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبِّي

«چنین خدایی پروردگار من است.»
ترجمه دقیق‌تر آیه چنین است: «این است خدای، پروردگار من.»

◁ ۴۹ - سُورَى : ۱۹

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ

«خدا نسبت به بندگانش مهربان است.»

اشکال: کلمه «نسبت» زاید است و باید حذف شود. و نیز چنین است ترجمه آیه ۱۵ از سوره احقاف: «و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم.» و همچنین

است ترجمه آیه ۲۹ از سوره (ق): «و من نسبت به بندگانم...» که باید کلمه «نسبت» را حذف کرد. ترجمه دقیق‌تر آیه چنین است:

«خداوند با بندگان خویش مهربان است.» (ترجمه دکتر امامی)
یا: «خداوند در کار بندگانش باریک بین است.» (ترجمه خرمشاهی)

◁ ۵۰- زخرف : ۵

أَفَنضْرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ

«آیا به [صرف] این که شما قومی منصرفید [باید] قرآن را از شما باز داریم؟»
اشکال: «صفحا» که می‌تواند حال از فاعل «نضرب» باشد، به معنی «روی گرداندن» در این ترجمه نیامده است.

ترجمه دقیق‌تر آیه چنین است:

«آیا بند [= قرآن] را رویگردانه - از آن رو که مردمی گزافکارید - از شما دریغ نداریم؟»

◁ ۵۱- فتح : ۲

لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ

«تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد.»

اشکال: «تأخر» فعل ماضی است و «ما تأخر» به معنی «ما یأتی» نیست که مترجم محترم آن را در معنای «آینده» قرار داده است. اصولاً آموزش گناهی که هنوز تحقق پیدا نکرده و چه بسا عینیت هم پیدا نکند چه معنای معقولی می‌تواند داشته باشد؟! برای توضیح بیشتر به مقاله این جانب در شماره ۶ و ۱۳ مجله میراث‌جویدان مراجعه فرمایید.
ترجمه صحیح آیه شریفه چنین است:

«تا خداوند گناهت، آنچه در پیش رفت و آنچه [تاکنون] در پس آمد، بپامزد.»

◁ ۵۲- نجم : ۱۱

مَا كَذَّبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ

«آنچه را دل دید انکار [ش] نکرد.»

اشکال: «كذب» فعل لازم است نه متعدی و آن غیر از «كذب» است که متعدی است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«دل آنچه دید دروغ ندید.» (ترجمه دکتر امامی)

یا: «آنچه دل دید دروغ نشمرد.» (ترجمه عبدالمحمد آیتی)

یا: «دل آنچه را دید دروغ نگفت.» (ترجمه دکتر سید جلال الدین مجتبی) توضیح: البته طبق نقل مجمع البیان، قرائت «كَذَّبَ» (با تشدید ذال) نیز نقل شده است که در آن صورت ترجمه فوق صحیح خواهد بود. ولی باید دانست که ترجمه‌ها باید بر اساس قرائت قرآن‌های کنونی باشد نه قرائت‌های شاذ و نادر.

◁ ۵۳- قمر : ۵

حِكْمَةٌ بِاللَّغَةِ فَمَا تُغْنِ التُّدْرُ

«حکمت بالغه [حق این بود] ولی هشدارها سود نکرد.»

اشکال: «حکمه بالغه» ترجمه نشده و در پانوشت هم توضیحی نیامده که مراد از آن چیست؟ در ضمن مطالب داخل قلاب نه تنها آیه را توضیح نداده بلکه وجود چنین جمله‌ای با ترکیب ادبی آیه ناسازگار است.

ترجمه دقیق‌تر آیه چنین است:

«اندرزی است رسا، ولی هشدارها کارگر نیفتاد.»

یا: «حکمتی است رسا، اما هشدارها سودی نبخشیده است.» (ترجمه استاد بهاء‌الدین خرمشاهی)

◁ ۵۴- تحریم : ۴

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا

«اگر [شما دو زن] به درگاه خدا توبه کنید [بهتر است]، واقعاً دل‌هایتان انحراف پیدا کرده‌است.» اشکال: اولاً جمله «شما دو زن» نباید در میان قلاب قرار گیرد، زیرا عین ترجمه متن آیه است. ثانیاً جواب شرط بهتر است از جنس خود شرط باشد؛ پس مناسب‌تر است جمله [توبه شما را می‌پذیرد] را در میان قلاب بنویسیم. ثالثاً «فاء» در «فَقَدْ»، تعلیلی است نه تأکیدی، پس به جای کلمه «واقعاً» کلمه «زیرا» را باید نوشت.

بنابراین ترجمه دقیق‌تر آیه چنین است:

«اگر شما دو زن به درگاه خدا توبه کنید [توبه شما را می‌پذیرد]، زیرا دل‌هایتان به کثری بگشته است.»

◁ ۵۵- قیامت : ۵

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ

«ولی نه، انسان می‌خواهد که در پیشگاه او فساد کاری کند.»

اشکال: ضمیر «أَمَامَهُ» به انسان بر می‌گردد نه خدا.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«بلکه آدمی می‌خواهد فرایش خود بد کاری کند.»

یا: «بلکه آدمی می‌خواهد فرارویش راه گناه باز باشد.»

توضیح: ظاهراً مراد آیه این است که انسان دوست دارد هیچ‌گونه رادع و مانعی بر سر راهش نباشد و راه برایش در هر چه بخواهد باز باشد و چیزی آزادی او را محدود نسازد.

یا: آن‌گونه که آقای خرمشاهی ترجمه کرده‌اند:

«بلکه انسان می‌خواهد در مهلتی که در پیش دارد، فسق و فجور کند.»

ترجمه ایشان از این آیه — که با نوعی تفسیر در آمیخته است — با آیات ما قبل و بعد آن که درباره قیامت است، سازگارتر است.

◁ ۵۶- انسان : ۷ و ۸

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مَشْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

«همان بندگانی که [به نذر خود وفا می‌کردند و از روزی که گزند آن فراگیرنده است

می‌ترسیدند. و به [پاس] دوستی [خدا] بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند.»

اشکال: جملات «وفا می‌کردند»، «می‌ترسیدند» و «می‌دادند» با صیغه‌های مضارعی که در این دو آیه آمده است، سازگار نمی‌باشد. گویا تصور مترجم محترم این بوده که چون داستان این آیه مربوط به گذشته است پس افعال مضارع را به ماضی بر می‌گردانیم! غافل از آن که این روش، خلاف ظاهر آیه و بر خلاف سبک تطبیقی ایشان در این ترجمه است. وانگهی بیان حال و آینده در این آیات خود گویای حکایت از گذشته نیز هست و چه لزومی دارد که برخلاف ظاهر الفاظ، ترجمه کنیم؟

و اما در مورد مرجع ضمیر «حُبِّهِ» اگر چه جایز الوجهین است، ولی اولاً «ذوق ادبی» و «بدهت وجدانی» اقتضا می‌کند که این ضمیر به «طعام» برگردد. ثانیاً آیه شریفه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران / ۹۲) و «تُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا» (فجر / ۲۰) می‌تواند قرینه‌ای بر این معنا باشد. ثالثاً اصلاً با توجه به اصل اختلافی بودن قضیه، در مقام ترجمه چرا از ضمیر فارسی به جای مرجع ضمیر احتمالی استفاده نکنیم و توضیح رادر پانویس نیاوریم؟ به هر حال ترجمه دقیق‌تر آیات چنین است:

«به نذر وفا می‌کنند و از روزی که گزند آن فراگیرنده است می‌ترسند. و خوردنی را، با وجود دوست داشتنش، به بینوا و یتیم و اسیر می‌خورانند.»

◁ ۵۷- تکویر : ۷

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ

«و آنگاه که جانها به هم در پیوندند.»

اشکال: «پیوند جان‌ها به هم» چه معنای معقولی می‌تواند داشته باشد؟! ترجمه صحیح آیه چنین است: «و آنگاه که جانها با تنها جفت گردند.» (ترجمه دکتر امامی) و یا: «و آنگاه که کسان [با یکدیگر] جفت و قرین شوند — نیکان با نیکان و بدان با بدان —» (ترجمه دکتر سید جلال الدین مجتبوی)

◁ ۵۸- علق : ۹

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى

«آیا دیدی آن کس را که باز می‌داشت.»

اشکال: «یَنْهَى» فعل مضارع است نه ماضی! ترجمه صحیح آیه چنین است: «آیا دیدی آن کس را که باز می‌دارد.» توضیح: در متون ادبی مثل کتاب معنی اللیب و امثال آن، معمولاً جمله «أَرَأَيْتَ» را به معنی «أَخْبِرْنِي» می‌گیرند، یعنی «به من خبر بده و بگو.»

◁ ۵۹- قیل : ۳

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ

«و بر سر آنها، دسته دسته پرنده‌گانی «ابابیل» فرستاد.»

اشکال: با توجه به این که «ابابیل» به معنی «گروه گروه» و «دسته دسته» است و در ترجمه نیز این معنی آمده، معلوم نیست که چرا مترجم محترم کلمه «ابابیل» را در ترجمه تکرار نموده است؟!

توضیح: «ابابیل» جمع مکسری است که مفرد آن به کار نمی‌رود، هر چند که برخی مفرد آن را «اباله» و بعضی «ابابله» دانسته‌اند.

در پایان برای مترجم دانشمند و بزرگوار که به حق از مفاخر ایران زمین است آرزوی سلامت و بهروزی دارم.

